

برای عبور از بحران

آذر منصوري

برای عبور از بحران باید به هشدارها و توصیه‌های دلسوزان کشور گوش فرا داد

این تصویر زنده‌یاد اعظم طالقانی به اندازه چندین مقاله و نوشتار حرف برای گفتن دارد. زنی جوان و مبارز که از قضا دختر یکی از مبارزان علیه استبداد و سلطنت مطلقه بود که با لباس زندان سر خود را پوشانده و نام و تصویرش به عنوان یکی از زندانیان ساواک در تاریخ ثبت شده است. سال‌ها پیش، درست زمانی که اعظم خانم در قید حیات بود، نوشتم: «چرا اجازه نمی‌دهید، انقلاب و اهداف آن از زبان همه کسانی که در انقلاب نقش داشتند، روایت شود؟ این دایره محدود خودی‌ها و تحریف اهداف انقلاب ۵۷ که اشتراک همه انقلابیون بر نفي استبداد و سلطه‌گری بود و در گفتمان نوفل‌لوشاتو تجلی پیدا کرد، نتیجه‌ای جز واگرایی و گسست بین حاکمان و مردم به دنبال ندارد. شوربختانه باید گفت شد آنچه نباید می‌شد.» چند روز پیش مطلبی در نقد رفتار اپوزیسیون برون‌مرزی با توجه به حضور شکنجه‌گران ساواک در یکی از تجمعات اخیر آنها در اینستاگرام به اشتراک گذاشتم و به خوانندگان این سطور هم پیشنهاد می‌کنم این متن و کامنت‌های ذیل آن را بخوانند*

برخی کامنت‌ها گویای این واقعیت است که نسل امروز از یكسو به دلیل فقدان شناخت از مجموعه عوامل و دلایلی که موجب شکل‌گیری انقلاب ۵۷ شد و از سوی دیگر ناکارآمدی حکمرانی که ذیل دفاع از این انقلاب از عهده تامین مطالبات مردم برنمی‌آید و هر نوع شکافی را نادیده می‌گیرد، در کمال ناباوری شکنجه‌گران رژیم گذشته را تطهیر می‌کنند! اعظم طالقانی و مانند او که حتی پس از سال‌ها برای مبارزه با استبداد از پای ننشستند اگر حذف و نادیده گرفته نمی‌شدند و با انواع اتهام‌ها روانه زندان و حبس و حصر نمی‌شدند و لباس حاشیه‌نشینی و مهاجرت بر تن نمی‌کردند، شاید نه این انقلاب مردمی از اهدافش فاصله می‌گرفت و نه اینکه در ۴۴ سال پس از آن تغییر بزرگ، شکنجه‌گران و حاملان سلطنت مطلقه به اسم همراهی یا دفاع از اعتراضات مردم...

صحبت از دخالت خارجي و فروپاشي نظام را به زبان نمي‌آوردند. کيست که نداند فروپاشي نظام ترجمه فروپاشي ايران است که اتفاقا بايد خط قرمز همه ميهن‌دوستان و مدافعان دموکراسي و حقوق بشر باشد و کيست که نداند وقتي صحبت از جمهوريت به ميان مي‌آيد، سلطنت وجهي در آن ندارد و تجربه مثلا ماهاتير محمد در مالزي را نمي‌توان با اين عنوان مصادره به مطلوب کرد. به بيان روشن‌تر ريشه‌ها و دلايل آنچه در کنفرانس کذايي مونيخ اتفاق افتاد را بايد مجموعه رفتارها و دلايل و عللي ديد که موجب شده است عده‌اي خارج از مرزهاي ايران به نام دفاع از ايران لباس مبارزه بر تن کنند و در لوي دفاع از مردم، در زمين نقشه فروپاشي ايران بازي کنند. ايران عزيز ما اين روزها از دو جهت در معرض مخاطره جدي قرار دارد. براندازان داخلي که نه مردم و راي آنها را عامل مشروعيت سياسي نظام مي‌دانند و نه باوري به تعامل سازنده با کشورهاي منطقه و جهان دارند و گروه‌هايي در خارج از مرزهاي ايران که به دنبال تحريم‌هاي بيشتري و مداخله خارجي به اسم براندازي به دنبال فروپاشي ايران هستند. چه بسا اگر در صحنه سياست داخلي کشور به راي مردم تمکين ميشد و سياست خارجي ما سمت و سوي واقع‌بنيني پيدا مي‌کرد، هيچ‌گاه کار به تپه‌سازي شکنجه‌گران و برگزاري کنفرانس‌هايي با اين کيفيت هم نمي‌رسيد. هر دو طرف عرض خود مي‌برند و زحمت خلق را زياد مي‌کنند. تنها راه خروج از اين بن‌بست، اتکا به ظرفيتها و نيروي داخلي ايران است که به دنبال تامين و تضمين دخالت آزاد مردم در تعيين سرنوشت خود و اعتلاي ايران و نگران در خطر افتادن تماميت ارضي ايران هستند. راه‌حل عملي عبور از اين بحران اصلاح بنيادين رفتارها و ساختارها و رويکردهاي حکمراني در راستاي تامين خواست مردم و تحقق حق حاکميت ملي است. براي اين کار بايد از پيشنهادات و توصيه‌هاي دردمندان سید محمد خاتمي و مير محصور و تاجزاده و ديگر دغدغه‌منداني که خط قرمز مشترکشان توقف روندهاي اقتدارگرايانه، پرهيز از خشونت و مقابله جدي با فروپاشي ايران در راستاي تامين خواست مردم است، بيش از پيش شنیده شود

=https://www.instagram.com/p/CopXgroq7G0/?igshid=MDJmNzVkMjY*

م: ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۱۴۰۱ ۱ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰